یکی از تربیت‌شدگان مکتب علوی و فاطمی، حضرت اباالفضل العباس قمر بنی هاشم است. حضرت عباس نیز ولایت برادرش را به جان دل خرید و نه تنها خودش که فرزندانش را نیز فدای این راه کرد. در ولایت‌پذیری حضرتش همین بس که در زمان امیرالمؤمنین در جنگ صفین حاضر شد و شجاعانه مبارزه کرد و همچنین در کنار برادرانش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بود

نگاهی به حیات ولایت مدارانه امام حسین(ع) و نزدیکانشان

ولایت‌مداری یعنی در مسیر حق بودن

آیا ولایت و سرپرستی به انبیا ختم می‌شود؟ به استناد آیه ۵۵ سوره مبارکه مائده، بعد از پیامبر اکرم ولایت و سرپرستی به امیرالمؤمنین (ع) می‌رسد و با استفاده از روایات معتبر این ولایت در فرزندان امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (س) تا قیامت باقی است. در ادامه به گوشه‌ای از زندگی ولایت‌مدارانه امام حسین و برخی نزدیکانشان (مانند حضرت اباالفضل‌العباس و فرزندش علی‌اکبر و امام سجاد) اشاره‌ای مختصر می‌کنیم.

■■■

■ امام حسین (ع)

از ولادت حسین بن علی (ع) که در سال چهارم هجرت بود تا رحلت رسول‌الله (ص) که شش سال و چند ماه بعد اتفاق افتاد، مردم از اظهار محبت و لطفی که پیامبر راستین اسلام (ص) درباره حسین (ع) ابراز می‌داشت، به بزرگواری و مقام شامخ پیشوای سوم آگاه شدند. سلمان فارسی می‌گوید: دیدم که رسول خدا (ص) حسین (ع) را بر زانوی خویش نهاده او را می‌بوسید و می‌فرمود: تو بزرگوار و پسر بزرگوار و پدر بزرگوارانی، تو امام و پسر امام و پدر امامان هستی، تو حجت خدا و پسر حجت خدا و پدر حجت‌های خدایی که ۹ نفرند و خاتم ایشان، قائم ایشان امام زمان (عج) است.

انس بن مالک روایت می‌کند: وقتی از پیامبر پرسیدند کدام یک از اهل بیت خود را بیشتر دوست می‌داری، فرمود: بارها رسول گرامی حسن (ع) و حسین (ع) را به سینه می‌فشرد و آنان را می‌بویید و می‌بوسید. ابوهریره که از مزدوران معاویه و از دشمنان خاندان امامت است، در عین حال اعتراف می‌کند: رسول اکرم را دیدم که حسن و حسین را بر شانه‌های خویش نشانده بود و به سوی ما می‌آمد، وقتی به ما رسید فرمود هر کس این دو فرزندم را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که با آنان دشمنی ورزد با من دشمنی کرده است.

عالی‌ترین، صمیمی‌ترین و گویاترین رابطه معنوی و ملکوتی بین پیامبر و حسین را می‌توان در این جمله رسول گرامی اسلام (ص) خواند که فرمود: حسین از من و من از حسینم.

در ارتباط ولایت و ابی‌عبدالله سخن بسیار است و ما در حد گنجایش این نوشتار به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱- گرچه همه امامان شیعه، اولیایی هستند که با تمسک به آنها می‌توانیم به ساحل نجات برسیم اما دستگیری اباعبدالله الحسین (ع) حکایت دیگری دارد. همه امامان کشتی نجاتند اما کشتی حسین سریع‌تر است. این دستگیری حقیقتی است که خداوند متعال از ازل در دل‌های همه مؤمنان نهاده است. ان للحسین فی بواطن المؤمنین معرفه مکتومه: همانا برای حسین در دل‌های مؤمنین شناخت پنهانی است. (بحار/ج ۱۰۹ ص ۷۳).

۲- خود ابی عبدالله نیز ولایت خدا و رسولش را پذیرفته بود و جز در آن مسیر حرکت نمی‌کرد. قیامش هم برای اصلاح امت پیامبر بود چراکه می‌دید امتش از مسیر ولایت خارج شدند؛ امامت را به خلافت و سپس به سلطنت تبدیل کردند و به فرد فاسقی چون یزید سپردند. می‌دید که اگر این ولایت‌گریزی و ولایت‌ستیزی ادامه یابد دیگر چیزی از اسلام باقی نمی‌ماند به همین خاطر قیام کرد. با اینکه افراد بسیاری از روی خیرخواهی وی را از قیام برحذر می‌داشتند اما چون می‌دانست که رضای خدا در کشته شدن او و اسیر شدن خانواده اوست با تمام توان قیام کرد و مسیر ولایت را با شهادت خود و عزیزترین کسانش به امضا رساند و در لحظه آخر نیز با شعار؛ إلهی رضی بقضائک لا معبودسواک: خدایا راضی‌ام به قضای تو، معبودی غیر تو نیست. (شرح اصول کافی ملاصدرا، ج ۱، ص ۹۶) خط سرخ ولایت و ولایت‌مداری را تا ابد زنده نگه داشت.

■ ولایت‌پذیری حضرت اباالفضل العباس(ع)

یکی از تربیت‌شدگان مکتب علوی و فاطمی، حضرت اباالفضل العباس قمر بنی هاشم است. حضرت عباس نیز ولایت برادرش را به جان دل خرید و نه تنها خودش که فرزندانش را نیز فدای این راه کرد. در ولایت‌پذیری حضرتش همین بس که در زمان امیرالمؤمنین در جنگ صفین حاضر شد و شجاعانه مبارزه کرد و همچنین در کنار برادرانش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بود و در کربلا علمدار لشکر برادرش بود و وقتی ابی عبدالله از او خواست که از فرات آب بیاورد، بی‌درنگ اقدام و برای آب آوردن به خیمه‌ها نهایت تلاشش را کرد و حتی هنگام مواجهه با آب فرات با اینکه تشنه بود به یاد تشنگی حسین از نوشیدن آب منصرف شد و تا ابد به همه انسان‌ها درس جوانمردی و فداکاری داد.

درس دیگری که از زندگی نورانی حضرت عباس می‌توان گرفت درس مقاومت حضرتش در برابر رشوه دشمن بود چراکه قبل از شهادتش امان نامه‌ای از شمر (که از طرف مادرش رابطه خویشی با وی داشت) دریافت کرد اما آن را پاره کرد و حاضر نشد ولایت طاغوت را با ولایت امامش ولو به قیمت حفظ جانش عوض کند. بالعکس عمرسعد که به طمع رسیدن به حکومت ری و به رغم نصیحت خیرخواهانه ابی‌عبدالله ولایت و سرپرستی یزید و ابن‌زیاد را به ولایت سیدالشهدا ترجیح داد و با دشمن امامش سازش کرد و شقاوت ابدی را برای خود تدارک دید. حال ببینیم که ما در روحیه مقاومت و ولایت‌مداری مانند حضرت عباس هستیم یا مانند عمرسعد؟

■ حضرت علی اکبر و ولایت‌مداری‌اش

درباره شخصیت علی اکبر(ع) گفته شده که وی جوانی خوش چهره، زیبا، خوش زبان و دلیر بود و از جهت سیرت وخلق و خوی و صباحت رخسار، شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم(ص) بود و شجاعت و رزمندگی را از جدش علی بن ابی طالب (ع) به ارث برده و جامع کمالات، محامد و محاسن بود. اما از ولایت‌مداری حضرتش تنها به یک نکته اشاره می‌کنیم:

کاروان امام حسین (ع) که در ادامه راه به سرزمین «ثعلبیّه» رسیدند مقارن ظهر بود. امام (ع) سرش را بر بالین گذاشت و اندکی خوابید، پس از لحظه‌ای بیدار شد و فرمود: صدا زننده‌ای را دیدم می‌گفت: «شما شتابان می‌روید، ولی مرگ شما را زودتر به سوی بهشت می‌برد.» فرزندش علی اکبر (ع) عرض کرد: «یا أبت! أ فلسنا علی الحقّ: ای پدر! آیا ما بر حق نیستیم؟» امام حسین(ع) فرمود: «بلی یا بنیّ و الّذی الیه مرجع العباد: آری ای پسرم، سوگند به خداوندی که همه بندگان به سوی او بازگردند، ما بر حق هستیم.» علی اکبر (ع) عرض کرد: «یا أبت! اذن لا نبالی بالموت: ای پدر! بنا بر این باکی از مرگ نداریم.» امام حسین (ع) فرمود: «پسر جانم! خداوند بهترین پاداش نیکی که از ناحیه پدر به او داده می‌شود به تو عنایت فرماید.»

ملاحظه می‌فرمایید وقتی علی اکبر مطلع می‌شود که قرار است همه کشته شوند تنها نگرانی‌اش این است که مبادا بر حق نباشد! وقتی از پدر می‌شنود که بر حق است آسوده خاطر می‌گوید از مرگ واهمه‌ای ندارد. ولایت‌مداری چیزی جز این نیست که تنها دغدغه انسان در مسیر حق بودن باشد. وای به حال کسانی که دم از ولایت‌مداری می‌زنند اما در کنار این ادعا با گناه و معصیت قلب ولی و امام زمان خود را نیز می‌رنجانند.

■ ولایت محوری امام سجاد (ع)

زندگی امام سجاد پر است از غم و اندوه مصیبت پدر و عزیزانش که در کربلا از دست داد. البته این اندوه صرفاً یک انفعال عاطفی نبود بلکه یک وظیفه و رسالتی بود که برای زنده نگه داشتن ولایت و به صورت معقول و آگاهانه انجام داد. حدود ۴۰ سال هر چه می‌دیدند (از غذا و آب گرفته تا ذبح گوسفند) به یاد مصائب کربلا می‌افتادند و گریه می‌کردند. حضرت سجاد با عبادت‌های خود و با دعاها و مناجات‌های نورانی خود (که در کتاب شریف صحیفه سجادیه زبور آل محمد گردآوری شده) و زنده نگه‌داشتن جریان عاشورا و کربلا باز هم نگذاشت که خاندان پلید بنی‌امیه نور ولایت پدر و اجدادش را خاموش کنند و بدین ترتیب مشعل ولایت و ولایت‌مداری را بار دیگر زنده کرد و به نسل بعد و نسل‌های بعد به زیبایی انتقال داد. آری ولایت و ولایت‌مداری صرفا یک ادعا و شعار زبانی نیست بلکه خدایی زیستن و برای خدا کار کردن است. انسان وقتی ولایی می‌شود که شعار ولایت را ابتدا از ظاهر و زبان به شعور عقل و سپس به باطن قلب برساند و در نهایت در زندگی به آن عینیت دهد؛ یعنی آنگونه زندگی کند که خدا می‌خواهد و اولیای خدا می‌پسندند.

حجت‌الاسلام والمسلمین جمال سروش

حکمت‌مطهر

ولایت تشریعی در نگاه استاد مطهری

ولایت تشریعی امام، به معنای فرمانروایی او بر جامعه و حق تصرف در جان و مال مردم لزوم اطاعت او می‌باشد. امامان از ویژگی عصمت برخوردارند و جهل به ساحت وجود آنان راه ندارد و باطن آنان، منزلگاه الهام‌های غیبی است. این ویژگی‌ها، ولایتی با خود می‌آورد که آن را ولایت تشریعی می‌گویند. استاد مطهری می‌فرماید: امامان (ع) از طریق رمزی و غیبی که همانند وحی بر ما پوشیده است علوم را از پیامبر اسلام (ص) برگرفته‌اند و برای مردم باز می‌گویند.

مراتب ولایت تشریعی

ولایت تشریعی خود مراتب و مراحلی به شرح زیر دارد:

۱. ولایت الله

اسلام با برابر دانستن همه انسان‌ها، سلطه حکام خودسر را که خودشان را حاکم مطلق توده مردم می‌دانستند مردود شمرده و حق ولایت و حاکمیت را تنها از آن خدایی دانست که حیات و هستی انسان از او است:

فَاللّهُ هُوَ الْوَلی

و اوست که از علم، حکمت، قدرت و رحمت مطلق برخوردار است و می‌تواند قانون گذار و حاکم واقعی باشد، و لذا تنها قبول ولایت و اطاعت او عقلاً و شرعاً لازم است. از این رو اسلام کسانی را که غیر خدا را به منزله رب، ولی و سرپرست می‌گیرند، گمراه خواند:

و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرند.

حضرت علی (ع) در نامه‌ای به فرزندش می‌نویسد:

بنده غیر خودت مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است.

بنابراین هیچ انسانی بر انسان دیگر ولایت ندارد، مگر آن کس که خدا یا رسول خدا(ص) یا یکی از اوصیای رسول خدا(ص) برایش ولایت قرار داده باشد.

۲. ولایت پیامبر اکرم (ص)

ساحت ربوبی، منزّه از ماده و محدودیت است، لذا ولایت تشریعی خداوند و ارتباطش با انسان مادی و حاکمیت و ولایتش از طریق پیامبر اکرم (ص) اعمال می‌شود، همان پیامبری که دریافت‌کننده وحی و دارای عصمت و علم خدادادی و دارای بالاترین مقدار شناخت به محتوای وحی و والاترین انگیزه برای تحقق آن است، از این رو است که در قرآن کریم ولایت و اطاعت پیامبر خاتم (ص) قرین ولایت و اطاعت خدا قرار گرفته است:

ولی شما تنها خدا و پیامبر او است و کسانی که ایمان آورده‌اند، همان کسانی که نماز بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

قرآن در جای دیگر می‌فرماید: هر کس از پیامبر(ص) فرمان برد در حقیقت خدا را فرمان برده است.

استاد مطهری می‌فرماید:

«اجتماع نیازمند به رهبر است. آن کس که باید زمام امور اجتماع را به دست گیرد و شئون اجتماعی مردم را اداره کند و مسلّط بر مقدّرات مردم است، ولی امر مسلمین است... پیامبر(ص) گذشته از اینکه مبین و مبلغ احکام بود و گذشته از اینکه قاضی مسلمین بود، سائس و مدیر اجتماع مسلمین بود، ولی امر مسلمین و اختیاردار اجتماع مسلمین بود.»

بنابراین ولایت و رهبری پیامبر(ص) برخاسته از اراده خدای سبحان بود و کسانی که به رسالت پیامبر(ص) ایمان آورده بودند، زعامت سیاسی حضرت (ص) را نیز به عنوان یک امر الهی پذیرفته بودند.

۳- ولایت ائمه اطهار(ع)

از آنچه درباره حق حاکمیت از منظر اسلام گفته شد، این مطلب روشن می‌شود که رهبری جهان اسلام پس از پیامبر(ص) نیز می‌بایست مشروعیت تصرّفات خود را از جانب خدای سبحان دریافت کند. از این رو پیامبر(ص) ولایت ائمه (ع) را به عنوان دستور خدای متعال ابلاغ کردند و این مسئله‌ای است که در جای خود مورد بحث قرار گرفته است. حضرت علی (ع) پس از پیامبر اسلام (ص) شایسته‌ترین فرد برای اداره جامعه اسلامی بود. او از نظر فضیلت و تقوا و سایر صفات عالی انسانی شخصیتی ممتاز بود. به همین دلیل حضرت رسول خدا(ص) از طرف خدای متعال جانشین خود معرفی کرد.

۴- ولایت فقیه

در تفسیر ولایت و زعامت فقیه دو دیدگاه مختلف وجود دارد:

دیدگاه اول، مدعی است که فقیه خود بر مسند حکومت تکیه کرده و به اداره و حل و فصل امور از طریق نمایندگان خود می‌پردازد. دیدگاه دوم، ولایت و زعامت فقیه را به معنای اشراف بر امور و نظارت بر حاکم، به عنوان رهبر و مرجع دینی تفسیر می‌کند. استاد مطهری معتقد به دیدگاه دوم است و می‌فرماید:

ولایت فقیه به این معنا نیست که فقیه خود در رأس دولت قرار بگیرد و عملاً حکومت کند. نقش فقیه در یک کشور اسلامی، یعنی کشوری که در آن مردم اسلام را به عنوان یک ایدئولوژی پذیرفته و به آن ملتزم و متعهد هستند، نقش یک ایدئولوگ است نه نقش یک حاکم. وظیفه ایدئولوگ این است که به اجرای درست و صحیح ایدئولوژی نظارت داشته باشد.

در حکومت دینی و در رأس آن حکومت اسلامی، حاکم باید علاوه بر دارا بودن شرایط عمومی حاکم، واجد شرایط خاص دینی هم باشد:

«پنج شرط دیگر برای حاکم که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است عبارت است از: ۱. عدالت ۲. اسلام‌شناسی ۳. آگاهی به زمان ۴. اعتراف به حقوق مردم ۵. پرهیز از استبداد و میل به اطاعت کورکورانه.»

■ شئون و لوازم ولایت تشریعی

ولایت تشریعی از شئون و لوازم ذیل برخوردار است:

۱. ولایت حاکم

ولایت حاکم از مهم‌ترین ارکان دین اسلام است. پایبندی به آن بنیان مسلمانی است و هیچ واجبی به اهمیت آن نیست. ولایت غیرمعصوم نیز در پاره‌ای موارد بنا بر شریعت اسلام ثابت است مانند ولایت پدر و مادر بر فرزند. ولایت حاکم عادل نیز جایز است و در برخی موارد همانند تمکین به امر به معروف و نهی از منکر واجب می‌گردد، امّا قبول ولایت حاکم جائر حرام است و از گناهان کبیره به شمار می‌آید:

«ولایت حاکم یعنی حاکم شرعی در بسیاری از موارد حق ولایت دارد.»

۲. ولایت زعامت

یکی از مراتب و شئون امامت، رهبری سیاسی و زعامت اجتماعی است. از مسلّمات تاریخ اسلام است که پیامبر اکرم (ص) زعامت سیاسی جهان اسلام و از آن مهم‌تر مرجعیت دینی مسلمانان را به حضرت علی (ع) منتقل کرد: «ولایت زعامت یعنی حق رهبری اجتماعی و سیاسی.»

۳. ولایت سیاسی و اجتماعی

شکی نیست که پیامبر اسلام (ص) افزون بر آنکه منصب رسالت را بر عهده داشت و وحی الهی را معصومانه ابلاغ می‌کرد و مرجعیت دینی و تبیین معصومانه وحی نیز با او بود دارای ولایت و سرپرستی نیز بود. از لوازم این ولایت آن است که بر مردم واجب است به امارت و قضاوت پیامبر(ص) تن دهند و به عنوان مرجع نهایی حل اختلاف‌ها به او رجوع کنند:

پیامبر(ص) گذشته از اینکه مبین و مبلّغ احکام بود و گذشته از اینکه قاضی مسلمین بود، سائس و مدیر اجتماع مسلمین بود، ولی امر مسلمین و اختیاردار اجتماع مسلمین بود.

۴. ولایت قضایی

قضاوت و داوری از نظر اسلام یک شأن و منصب الهی است، زیرا حکم به عدل است، و قاضی کسی است که در مخاصمات و اختلافات می‌خواهد به عدل و داد داوری کند. این شأن به نص قرآن کریم از شئون نبوّت بوده از سوی خداوند به پیامبر(ص) تفویض شده است:

پیامبر(ص) ولایت قضایی داشت، یعنی حکمش در اختلافات حقوقی و مخاصمات داخلی نافذ بود.

علی باقی نصرآبادی

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه

وزارت راه و شهرسازی
سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای
اداره کل حمل و نقل و پایانه‌های استان تهران

نوبت دوم
م الف: ۳۷۱۴

آگهی
مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (نوبت دوم)

موضوع: جمع آوری تابلوهای غیر مجاز محورهای مواصلاتی استان تهران
زمان دریافت اسناد: ۵ روز اداری پس از انتشار آخرین آگهی
نحوه دریافت اسناد: مراجعه حضوری (به آدرس تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، خیابان شهید کلانتری غربی، پلاک ۸۰ (روبروی سفارت لبنان) طبقه اول اتاق ۱۱۶) و یا دریافت اینترنتی (از آدرس http://iets.mporg.ir)
مهلت ارائه اسناد: به مدت ۱۰ روز از زمان انقضای دریافت اسناد
زمان بازگشایی پاکتها: پیشنهادات واصله در زمان مشخص شده در اسناد بازگشایی خواهند شد.

مبلغ واریزی جهت شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
محل تحویل اسناد: دبیرخانه کمیسیون ارزیابی معاملات به نشانی بالا
* جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت http://iets.mporg.ir مراجعه شود.
* توضیح: در صورت مراجعه حضوری نماینده برای دریافت اسناد مناقصه، ارائه معرفینامه رسمی شرکت الزامی می‌باشد.

روابط عمومی
اداره کل حمل و نقل و پایانه‌های استان تهران

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۲۰۷۵

م الف ۳۵۵۶

قابل توجه کلیه فعالان اقتصادی:

به اطلاع کلیه اشخاص حقوقی و همچنین اشخاص حقیقی موضوع بند (الف) و (ب) ماده ۹۵ قانون مالیات‌های مستقیم می‌رساند، مهلت ارسال صورت معاملات دوره پاییز ۹۳ به صورت الکترونیکی از طریق سامانه اینترنتی سازمان به نشانی www.tax.gov.ir و یا با ارسال لوح فشرده (CD) تا پایان دی ماه سالجاری می‌باشد.

۱۸۲۲ مرکز ارتباط مردمی سازمان امور مالیاتی کشور | مرکز پاسخگویی فنی: ۳۵۰۸۷ | روابط عمومی سازمان امور مالیاتی کشور

سازمان امور مالیاتی کشور